

## تأثیر اندیشه مهدویت واقفه بر کتب الغیبه شیعه امامیه

روح‌الله شیرزاد\*

### چکیده

از جمله منابع اولیه شیعیان در تاریخ اهل بیت و کلام شیعه کتب الغیبه است که توسط راویان احادیث از فرقه‌های مختلف شیعه، تالیف شده است. این کتب شامل روایاتی در موضوع مهدویت و مباحثی چون توصیف جمال و کمالات، نحوه ولادت، غیبت حضرت حجت(عج) و ضرورت آن و ظهور و علائم ظهور است. متأسفانه کتب الغیبه‌ای که در زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام نگاشته شده از بین رفته است و تنها گزارشات مختصری از این کتب در منابع بعدی در دسترس می‌باشد.

ورود مسئله مهدویت در انشعابات مختلف شیعی بعنوان دستمایه اصلی اعتقادات درون گروهی، سبب شد تا موضوعات و باورهای اصیل این اعتقاد نیز دستخوش تغییر قرار گیرد. از فرق شیعی که بعنوان اولین مدعی مهدویت برای امام معصوم علیه‌السلام، در تاریخ ثبت شده، واقفیان می‌باشند. آنها با طرح ادعای مهدویت و برداشت نامناسب از برخی روایات، توانستند عده‌ای را گرد خود جمع کرده و با این ادعا امامت امام رضا علیه‌السلام را نفی کنند. در این راستا سران و اندیشمندان این فرقه که از شاگردان و روات احادیث ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده اند، کتبی را تحت عنوان الغیبه و در راستای پرورش و توسیع این تفکر گردآورده و در مدت کوتاهی، شبهاتی را در مسأله مهدویت پدید آوردند.

این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری منابع به صورت کتابخانه‌ای و دیجیتالی به توضیح اندیشه مهدویت واقفه و چگونگی پیدایش آن پرداخته است. و در ادامه با ذکر احوال مولفین واقفی مذهب که صاحب الغیبه بوده اند و بررسی روایاتشان در کتب الغیبه شیعه اثنی عشری، به بررسی تأثیر و یا عدم تأثیر اندیشه مهدویت واقفه بر کتب الغیبه شیعه اثنی عشری می‌پردازد.

**واژه‌های کلیدی:** واقفیه، مهدویت، کتب الغیبه، شیعه اثنی عشری.

## مقدمه

باور به قیام منجی عدالت گستر با حکومتی جهان شمول در تمام ادیان و اعتقادات گذشته وجود داشته و معتقدان به آن، همواره ظهور و حضور او را در پی ختم رسل و آمدن آخرین پیامبر الهی می دانستند. همانگونه که از زبان پیامبران مژده به آمدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین قائم از آل او در روایات مختلف بیان گردیده است.

این اندیشه پس از شکل گیری اسلام در گروه خاصی که ادامه دهنده راه پیامبر و اسلام ناب بودند (شیعه) تبلور پیدا کرده؛ و به سبب پیدایش فرق و گروه مختلف در این مذهب این اعتقاد نیز دستخوش تغییر قرار گرفت.

با دقت به ادعای انشعابات مختلف شیعی، به مواردی بر می خوریم که با بهره برداری از این اندیشه برای خود یا برای فردی از خاندان پیامبر مدعی مهدویت می شدند. اولین شخصی که به این ادعا دامن زد محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن از نوادگان امام حسن بوده و اولین کسی که برای او ادعای مهدویت شده بنابر نقل برخی از منابع تاریخی، محمد بن حنفیه می باشد.<sup>۱</sup>

وجود این اندیشه در باور و اعتقادات فرق مختلف باعث شد که عالمان و برنامه ریزان هر فرقه ای برای جذب افراد و یا انگیزه های دیگر دنیایی به شرح و بسط اعتقاد مهدویت خود پرداخته که خود می توانست باعث ورود تحریفات و جعلیات در منابع مهدویت شیعه باشد.

۱. ابی محمد حسن بن موسی، نوبختی، فرق الشیعه ص ۲۶-۲۷. ابن بابویه، صدوق / کمال الدین ج ۱ ص

## پیدایش فرقه واقفه

شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بعد از سال‌ها در زندان<sup>۱</sup> و جو خفقانی که وجود داشت سبب شد شهادت آن امام برای بسیاری از شیعیان مخفی بماند. به همین دلیل وقتی بنیان گذاران واقفه خبر شهادت امام را شنیدند، با انتخاب این سیاست از این که به عنوان وکیل امام شناخته می‌شدند سوء استفاده کرده و همان زمان با طرح مساله مهدویت ایشان، شهادت حضرت را انکار کرده و در جواب نامه امام رضا و درخواست بازگرداندن اموالی که نزد آنان بود پاسخ دادند: «همانا پدر شما نمرده است و زنده است و کسی که ادعای مردن ایشان را کند باطل است. من بنا بر آنچه قبلاً ایشان فرموده بود عمل کرده و چیزی را به شما دفع نخواهم کرد.»<sup>۲</sup>

حرکت تبلیغی واقفیان، که همراه با استدلال‌های عوام فریبانه<sup>۳</sup> در ترویج اعتقادات خود بوده و هم با پیشنهاد رشوه سعی در جذب برخی از شیعیان<sup>۴</sup> را داشته اند، حرکتی خطرناک بحساب می‌آمد. این روش آنقدر موثر بود که حتی



۱. ابن بابویه، محمد بن علی، صدوق / کمال الدین / ترجمه کمره‌ای، ج ۱، ص: ۱۱۹

۲. «فَانَهُ كَتَبَ إِلَيْهِ أَنْ أَبَاكَ صَ لَمْ يَمُتْ وَ هُوَ حَيٌّ قَائِمٌ وَ مَنْ ذَكَرَ أَنَّهُ مَاتَ فَهُوَ مُبْطِلٌ وَ أَعْمَلُ عَلَيَّ أَنَّهُ قَدْ مَضَى كَمَا تَقُولُ فَلَمْ يَأْمُرْنِي بِدَفْعِ شَيْءٍ إِلَيْكَ وَ أَمَّا الْجَوَارِي فَقَدْ أَعْتَقَهُنَّ وَ تَزَوَّجَتْ بِهِنَّ» محمد بن الحسن، طوسی / الغیبه، ص: ۶۵

۳. نظیر استدلال بر قائم بودن امام کاظم که در فصول آینده بدان اشاره خواهد شد.

۴. برخی از شیعیان مانند: حمزه بن بزيع، حسين بن ابي سعد مكارم و كرام خنعمي با دریافت رشوه از سران واقفه به آنان پیوستند. طوسی، الغیبه / ص. و نیز پیشنهادی از سوی کندی و بطائنی برای دعوت از یونس بن عبدالرحمن به واقفی گری را کشتی ذکر نموده است. محمد بن عمر، کشتی / اختیار معرفه الرجال ص: ۴۹۳ ح ۹۴۶. صدوق / علل الشرایع / ج ۱ / ص ۱۱۲

بعضی از شیعیانی که بدین گروه پیوسته بودند در مقابل امام رضا علیه السلام هم به انکار ایشان و تایید اعتقاد خود به زنده بودن و مهدویت امام کاظم می پرداختند.<sup>۱</sup>

### اندیشه مهدویت واقفه

اعتقاد به مهدویت در واقفیه که مبتنی بر توقف بر امام کاظم علیه السلام بوده است دچار اختلاف و دگرگونی در موضوعاتی است که سبب پیدایش اندیشه‌های درون گروهی در واقفیه بوده است.

عمده این اختلافات در زنده بودن یا نبودن امام، رجعت، غیبت و چگونگی آن در امام کاظم علیه السلام می باشد که به صورت اختصار به اقوال طوایف مختلف واقفیه اشاره می کنیم.

۱۲۴

### زنده بودن امام کاظم علیه السلام

همانگونه که در فصول گذشته بیان شد سران واقفه با استفاده از فرصت دوری امام و زندانی بودن ایشان، پس از شنیدن خبر مرگ حضرت، ادعا کردند که امام کاظم علیه السلام زنده است و اینگونه استدلال کردند که بنابر اعتقاد شیعه امام را کسی جز امام غسل نمی دهد،<sup>۲</sup> و طبق ادعای شما امام کاظم علیه السلام در بغداد رحلت فرمود در حالی که امام رضا علیه السلام در آن زمان در مدینه بوده و خود شما نقل کرده اید که کسان دیگری (ماموران حکومتی) امام را غسل داده و دفن کردند، بنابراین ایشان هنوز زنده می باشد و امام رضا علیه السلام نیز امام نیست.

۱. « قَالَ حَدَّثَنِي جَرِيرُ بْنُ حَازِمٍ عَنْ أَبِي مَسْرُوقٍ قَالَ: دَخَلَ عَلَى الرَّضَا جَمَاعَةٌ مِنَ الْوَأَقِفَةِ فِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ الْبُطَائِنِيُّ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مِهْرَانَ وَ الْحَسَنُ بْنُ أَبِي سَعِيدٍ الْمَكَارِي فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنَا عَنْ أَبِيكَ عَ مَا حَالُهُ فَقَالَ لَهُ أَنَّهُ قَدْ مَضَى فَقَالَ لَهُ فَإِلَى مَنْ عَهْدَ فَقَالَ إِلَيَّ فَقَالَ لَهُ إِنَّكَ لَتَقُولُ قَوْلًا مَا قَالَهُ أَحَدٌ مِنْ آبَائِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ فَمَنْ دُونَهُ.. » ابن بابویه، محمد بن علی،

صدوق / عيون أخبار الرضا علیه السلام / ترجمه غفاری و مستفید، ج ۲، ص: ۵۱۶

۲. « الامام لا يغسله الا الامام » محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی / بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۴۸،

## غیبت

در راستای طرح این ادعا، و تثبیت اعتقاد خود بر زنده بودن امام، مسئله غیبت امام کاظم علیه السلام را مطرح کردند و ایشان را بعنوان مهدی موعود (عج) و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نام می بردند. آنها بر این ادعای خود نیز به روایاتی استدلال کردند که در آن، امام کاظم علیه السلام بعنوان قائم، از سوی پدر بزرگوارشان نامیده شده است: «سبت السبوت و الشمس الشموسو نور الشهور و من لا یهلو و لا یلعب و هو سابعکم قائمکم هذا و اشار الی ولده موسی الکاظم»<sup>۱</sup> و در روایت دیگری آمده که عده ای از یهود نزد امام صادق علیه السلام آمده و امام کاظم علیه السلام (در حالی که خردسال بود) در آن مجلس حضور داشت و پاسخ ایشان به یهودی موجب اسلام آوردن او شد، همانجا پدر بزرگوار ایشان امام صادق علیه السلام حضرت را در آغوش گرفته و بر پیشانی او بوسه زده و فرمودند: «همانا تو قائم بعد از من هستی»<sup>۲</sup>. واقفیه با نگرش سطحی بر ظاهر این روایات از واژه قائم سوء استفاده کرده و این روایات را دلیل بر مهدی بودن امام گرفته اند.

این گروه در بین خود، درباره چگونگی غیبت و مسأله امامت شیعیان دچار اختلاف شدند. برخی می گفتند که حضرت مخفیانه از زندان خارج گردید و سپس از دیدگان مردم غائب گشته و پنهان شد اما سلطان و درباریان ادعا کردند که او درگذشته و مردم را به توهم انداختند. آنها نیز به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد می کردند که فرموده بود:

«او مهدی قائم امت است و حتی اگر سر بریده اش را از فراز کوه به پائین بیاندازند نباید باور کرد زیرا او قیام کننده اهل بیت است»<sup>۳</sup>.

۱. ابی الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد، شهرستانی / الملل و النحل ج ۱ ص ۱۶۸

۲. «انت القائم بعدی» قطب الدین، راوندی / الخرائج و الجرائح، ج ۱ ص ۱۱۱

۳. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۸۰؛ اشعری، ص ۸۹



## رجعت

گروهی از واقفیان درگذشت امام هفتم علیه السلام را پذیرفتند ولی چون عقیده داشتند وی همان قیام کننده اهلبیت است؛ لذا اظهار داشتند که او رجعتی خواهد داشت و در آن علیه ظلم و ستم قیام خواهد کرد.

در میان آنها عده‌ای معتقد بودند که امام هفتم علیه السلام به شهادت رسیده است ولی او همان مهدی قائم امت است و چون وقت قیام او فرا برسد رجعت خواهد کرد. آنان به این سخن منسوب به امام صادق علیه السلام استدلال می‌کردند که درباره وی فرموده بود: «اوشباهتی به عیسی بن مریم دارد و به دست بنی عباس کشته خواهد شد»<sup>۱</sup>

اما گروه دیگری از آنها شهادت آن حضرت را انکار می‌کردند و عقیده داشتند او به مرگ خود درگذشته و خداوند وی را به آسمان‌ها برده است و به هنگام قیامش او را به زمین فرود خواهد آورد.<sup>۲</sup>

## غیبت پس از رجعت

به عقیده این گروه، موسی بن جعفر علیه السلام از دنیا رفته اما امامت نصیب و بهره کس دیگری نیست تا زمانی که رجعت کند و آنگاه ظاهرگشته و قیام خواهد کرد. آنان عقیده داشتند وی پس از وفاتش رجعت کرد (به دنیا بازگشت) اما در مکانی پنهانی به سر می‌برد (غیبت) و اصحابش با وی دیدار می‌کنند و او به آنان دستورات لازم را می‌دهد.

مسأله فرزند امام رضا علیه السلام در زمان حیات خود وی نیز مشکل‌ساز بود و برخی از سران واقفیه به آن حضرت اعتراض می‌کردند که چگونه ادعای امامت

۱. ابی محمد حسن بن موسی، نویختی / فرق الشیعه ص ۸۰؛ ابوالحسن، اشعری / مقالات الاسلامیین و

اختلاف المصلین ج ۱ ص ۹۰

۲. نویختی، همان، ص ۸۱؛ اشعری، پیشین



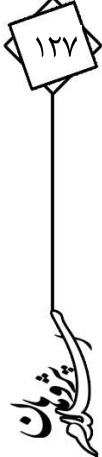
وجانشینی پدرش را می‌نماید درحالی‌که فرزندی ندارد که جانشین و امام پس از او باشد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر پس از شهادت امام رضا علیه السلام برخی از شیعیان با این طرز فکر که امام حتماً باید فردی بالغ و دارای سن بیشتر باشد از پذیرفتن امامت حضرت جواد علیه السلام که هفت سال پیش نداشت امتناع کردند و اعلام کردند چون او کودکی نابالغ است نمی‌تواند امام باشد و چون علی بن موسی علیه السلام جانشین و امامی از خود به جا نگذاشته پس او نیز امام نبوده است و بدینگونه بر امامت موسی بن جعفر علیه السلام توقف کردند و به واقفیه روی آوردند.<sup>۲</sup>

### بررسی کتب الغیبه

این کتب از منابع با اهمیت در زمینه شناخت امام زمان علیه السلام و مسئله غیبت است و در آن دیدگاه شیعه درباره حضرت مهدی علیه السلام ارائه شده و به شبهات و اشکالاتی که درباره غیبت آن حضرت مطرح بوده، جواب داده شده است. قدیمی‌ترین کتاب الغیبه مشخص نشده، اما کتب تراجم، مجموعه کتاب‌هایی را به این عنوان از قرن دوم به بعد ثبت نموده‌اند. در این بخش ابتدا به معرفی مولفین امامی مذهب صاحب الغیبه پرداخته و در ادامه واقفیان صاحب کتاب الغیبه را ذکر خواهیم کرد.

۱. محمد بن محمد بن نعمان، مفید / الارشاد ص ۳۲۰. محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی / الکافی، ج ۱، ص

۲. ابی محمد حسن بن موسی، نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۸



### شیعیان امامی صاحب الغیبه

ابراهیم بن اسحاق الأحمري النهاوندي: نجاشی و شیخ او را ضعیف دانسته (متهما فی دینه)، و کتب زیادی برای او نقل شده که از آنها الغیبه می‌باشد. در سال ۲۶۹ ه.ق از او حدیث شنیده شده است.<sup>۱</sup>

ابراهیم بن صالح انماطی: او ابا اسحاق و کوفی است که شیخ او را ثقه می‌داند و در مورد کتب او آورده: اصحاب ما گفته اند که تمام کتب او از بین رفته است و از کتبی که من آنرا می‌شناسم کتاب الغیبه است که حسین بن عبدالله از آن خبر داده است<sup>۲</sup> نجاشی نیز او را از روایت ابی الحسن الرضا و واقفی ذکر کرده است.<sup>۳</sup>

احمد بن محمد بن عمران: احمد بن محمد معروف به ابن جندی استاد نجاشی است<sup>۴</sup>، از بزرگان شیعه زمان خود و صاحب کتاب الغیبه می‌باشد. شیخ طوسی راه رسیدن به او را به خاطر روایت کردن ضعفایی همچون ابی طالب بن غرور از احمد، ضعیف می‌داند.<sup>۵</sup>

حسن بن محمد بن یحیی: حسن بن محمد بن یحیی بن الحسن بن جعفر بن عبدالله بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، از مشایخ صدوق بوده که شیخ در خصال و امالی و علل الشرائع و کمال الدین از وی روایت کرده و گفته: در بغداد طرف سوق در منزلش برای من نقل حدیث کرده است. نجاشی درباره او آورده: وی از مجاهیل احادیث منکره نقل می‌کرده و

۱. احمد بن علی، نجاشی / رجال، ص: ۱۹ در باب من لم یرو عن احد من الأئمه، محمد بن الحسن، طوسی / رجال ص ۴۱۴

۲. محمد بن الحسن، طوسی / فهرست ص ۳ باب الهمزه

۳. رجال النجاشی، ص: ۲۴

۴. محمد باقر بن محمد، میرداماد، الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، ص: ۹۹

۵. احمد بن علی، نجاشی / رجال، ص: ۸۵





علمای مذهب او را تضعیف می‌کردند. وی در ربیع الاول سال ۳۵۸ هجری در بغداد درگذشت و در منزلش دفن شد.<sup>۱</sup>

**حنظلة بن زکریا بن حنظلة:** او ابن خالد بن عیار تمیمی ابوالحسن قزوینی است. نجاشی او را ضعیف دانسته (لم یکن بذلک) و کتاب الغیبه را برای او ذکر می‌کند.<sup>۲</sup> شیخ نیز در رجال خود در توصیف او واژه خاصی (امامی) را آورده است.<sup>۳</sup>

**سلامة بن محمد بن اسماعیل:** او سلامه بن محمد بن اسماعیل بن عبدالله بن موسی بن ابی الأکرم أبو الحسن أرزنی، از بزرگان علمای شیعه، جلیل القدر، ثقة و از تالیفات او کتاب الغیبه می‌باشد. ابن بابویه او را از شاگردان صدوق<sup>۴</sup> و نجاشی او را از اساتید نعمانی دانسته اند.<sup>۵</sup> سلامه در سال ۳۳۹ از دنیا رفته است.<sup>۶</sup>

**عباس بن هشام ابوالفضل الناشری الأسدی:** اسم او در برخی از عناوین کتب رجالی مصغر شده و عبیس ذکر شده است. او ثقة، جلیل القدر و کثیر الروایت و از تالیفات او الغیبه می‌باشد. عبیس در سال ۲۲۰ و یا ۲۱۹ ه.ق از دنیا رفت.<sup>۷</sup>

**عبدالله بن جعفر الحمیری:** او عبدالله بن جعفر بن حسن بن مالک بن جامع الحمیری قمی، شیخ قمیین است که در حدود سال ۲۹۰ وارد کوفه شد. از کتب

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، صدوق / الخصال، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص: ۲۹۶

۲. نجاشی، رجال، ص: ۱۴۷

۳. رجال الطوسی ص: ۴۲۳

۴. ابن بابویه، علی بن حسین / الإمامة و التبصرة من الحيرة، المقدمة، ص: ۲۸

۵. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، نعمانی، الغیبة / ترجمه غفاری، ص: ۱۵

۶. نجاشی، رجال، ص: ۱۹۲

۷. همان، ص: ۲۸۰



او: کتاب الامامه و الغیبه و الحیره می باشد.<sup>۱</sup> علامه حلی او را از اصحاب امام محمد عسکری علیه السلام دانسته است.<sup>۲</sup>

**علی بن حسن بن علی بن فضال:** فضال بن عمر بن ایمن ازاد شده عکرمه بن ربیع کنیه اش ابوالحسن، از فقهای کوفه، ثقه و آشنا به حدیث می باشد که از کتب او کتاب الغیبه است.<sup>۳</sup>

کشی در ترجمه علی و احمد از فرزندان حسن بن علی بن فضال کوفی آورده است: أما علی بن الحسن بن علی بن فضال: من در میان علمای شیعی عراق و نواحی خراسان، فقیهی را مانند علی بن حسن را در کوفه ندیدم، و هیچ کتابی از ائمه اطهار در هر موضوعی نیست الا نزد او نسخه ای باشد، و او از حافظ ترین مردم در دین است الا اینکه فطحی مذهب بوده و به امامت عبدالله بن جعفر و سپس امام رضا علیه السلام اعتقاد داشته است.<sup>۴</sup>

**محمد بن ابراهیم بن جعفر:** أبو عبدالله کاتب، کنیه اش نعمانی، معروف بابن ابی الزینب، از بزرگان شیعه، عظیم القدر، شریف المنزله، صحیح العقیده، و راوی احادیث بسیاری می باشد. او وارد بغداد شد و پس از آن به شام رفت و در همانجا وفات یافت.<sup>۵</sup>

از کتب او کتاب الغیبه می باشد که از منابع معتبر شیعی است. نجاشی می گوید: ابا الحسین محمد بن علی شجاعی، پسر نعمانی را دیدم که کتاب الغیبه

۱. احمد بن علی، نجاشی / رجال، ص: ۲۱۹

۲. حسن بن یوسف، علامه الحلی / رجال، ص: ۱۰۶

۳. همان، ص: ۲۵۷

۴. محمد بن عمر، کشی، اختیار معرفة الرجال ج ۲، ص: ۸۱۲

۵. تقی الدین ابو محمد حسن بن علی، ابن داود / الرجال، ص: ۲۹۰



بر او قرائت می‌شد و پدرش این کتاب و کتب دیگرش را به او وصیت کرد و در ادامه آورده که نسخه خوانده شده نزد من می‌باشد.<sup>۱</sup>

**محمد بن احمد بن عبدالله بن قضاة بن صفوان بن مهران جمال:** از قبیله بنی اسد، شیخ طائفه، ثقة فقیه فاضل از توصیفات است که نجاشی برای او در رجالش ذکر کرده است و در ادامه آورده: و برای او نزد سلطان منزلتی بود که از جریان مباحله او با قاضی شهر و پیروزی او، بدست آمده بود. برای او کتبی ذکر شده که از جمله آنها کتاب الغیبه و کشف الحیره می‌باشد.<sup>۲</sup>

**محمد بن مسعود:** از اهالی سمرقند و کنیه او ابا النضر می‌باشد. او جلیل القدر، عالم به اخبار بسیار، آگاه و مطلع به روایت است.<sup>۳</sup> ابوالنضر ارث پدرش را که سیصد هزار دینار بود، وقف علم و گسترش حدیث کرد و منزل او مانند مسجد محل تجمع گروه‌های مختلف مردم بوده است. از کتب او الغیبه می‌باشد.<sup>۴</sup> تاریخ زندگانی او را اواخر قرن سوم هجری دانسته اند (۳۲۰ ق).<sup>۵</sup>

### واقفیان صاحب الغیبه

**حسن بن علی بن ابی حمزه:** او سالم البطائنی و از موالی (آزاد شده) انصاری و کوفی است، او را از بزرگان واقفه دانسته اند و کتاب او الفتن و الملاحم می‌باشد.<sup>۶</sup>

غضائری در توصیف او گفته است: ابو محمد، واقفی و پسر واقفی است، ضعیف بوده و پدرش از او اوثق است به نقل روایت. و در ادامه از قول حسن

۱. احمد بن علی، نجاشی / رجال، ص ۳۸۳

۲. احمد بن علی، نجاشی / همان، ص: ۳۹۳

۳. محمد بن الحسن، الطوسی / فهرست ص: ۳۹۶

۴. نجاشی / رجال ص: ۳۵۱

۵. محمد بن مسعود، عیاشی (۳۲۰ ق) / تفسیر العیاشی، مقدمه ج ۱، ص: ۳

۶. رجال النجاشی، ص: ۳۶



بن فضال آورده: *إني لأستحيي من الله أن أروي عن الحسن بن عليّ*. حدیث امام رضا در مورد او مشهور است.<sup>۱</sup>

او از روایات کثیر الروایه است و در بیش از ۳۰۰ سند حدیثی قرار گرفته است (۳۳۷). روایات وی در منابع حدیثی مهم شیعی به ترتیب این تعداد می‌باشد: کافی (۴۲) تهذیب (۲۳) استبصار (۵) من لا یحضر (۳) وسایل الشیعه (۲۶۴).<sup>۲</sup>

**حسن بن محمد بن سماعه الکوفی:** شیخ در اختیار معرفه الرجال در وصف او می‌گوید: او ابن سماعه و واقفی است (او از فرزندان سماعه بن مهران نیست)، و برای او فرزندی است که حسن بن سماعه واقفی نام دارد.<sup>۳</sup> نجاشی در توصیف او آورده: او ابو محمد الکندی صیرفی و از شیوخ واقفیه است که کثیر الحدیث و فقیه بوده است اما بر واقفی بودن خود تعصب داشته و با شیعیان دشمنی داشته است.

او در شب پنج شنبه ۵ ماه ذی الحجه سال ۲۶۳ ه. ق در کوفه وفات کرد و ابراهیم بن محمد علوی بر او نماز خوانده و او را در جعفی دفن کردند.<sup>۴</sup> شیخ طوسی در فهرست خود او را صاحب تصانیف و تالیفات ارزشمندی دانسته و ابن سماعه و تالیفاتش را ممدوح می‌داند.<sup>۵</sup> از همین باب روایات فراوانی از او در کتب مهم حدیثی شیعه که بالغ بر ۲۰۰۰ روایت می‌باشد نقل شده است.<sup>۶</sup>

۱. ابو الحسین احمد بن ابی عبدالله، ابن الغضائری / الرجال، ص: ۵۱

۲. نرم افزار درایه النور / اسناد / قسمت راوی / ذیل عنوان حسن بن علی بن ابی حمزه

۳. محمد بن عمر، کنشی / اختیار معرفه الرجال (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی)، ج ۲، ص: ۷۶۹

۴. نجاشی / رجال، ص: ۴۱

۵. محمد بن الحسن / فهرست الطوسی / ص ۱۳۴

۶. نرم افزار درایه النور / اسناد / قسمت راوی / ذیل عنوان الحسن بن محمد بن سماعه



**عبدالله بن جبلة:** نجاشی می گوید او عبدالله بن جبلة بن حنان بن حر کنانی ابو محمد، ثقة، از واقفیان بوده و فقیه مشهوریست و صاحب کتاب الصغه فی الغیبه علی مذهب الواقفه می باشد. وی در سال ۲۱۹ از دنیا رفت.<sup>۱</sup> شیخ طوسی در اختیار معرفه الرجال او را در ردیف اصحاب امام کاظم علیه السلام ذکر کرده است.<sup>۲</sup> روایات او در منابع حدیثی بیش از ۶۰۰ روایت می باشد.<sup>۳</sup>

**علی بن حسن بن محمد الطائی الجرمی:** کنیه او ابوالحسن و معروف به طاطریست<sup>۴</sup>، او از فقیهان زمان خود و ثقة می باشد و از سران واقفیه و شیوخ آنها است. وی استاد حسن بن محمد بن سماعه صیرفی حصرمی است ولی حسن از او روایتی نقل نکرده است بلکه فقط مذهب را از او یاد گرفته است. از کتب او کتاب الغیبه می باشد.<sup>۵</sup> نام وی در استبصار، تهذیب، کافی و وسایل، در سلسله اسناد ۱۹۰ روایت قرار گرفته است.<sup>۶</sup>

**علی بن عمر الأعرج:** علی بن عمر اعرج، ابوالحسن کوفی، همنشین و هم عصر زکریای مومن (هم عصر امام صادق علیه السلام تا امام رضا ع) از واقفیان است و نجاشی او را ضعیف دانسته و کتاب الغیبه را برای او ذکر کرده است.<sup>۷</sup>

**علی بن محمد بن علی بن عمر:** بن رباح بن قیس بن سالم، أبو الحسن سواق، که جدش ازاد شده عمر بن سعد بن ابی وقاص بود، ثقة و صحیح الروایت است،

۱. احمد بن علی، نجاشی / رجال، ص: ۲۱۶

۲. محمد بن عمر، کشی / اختیار معرفة الرجال، الفهرست، ص: ۱۶۱

۳. نرم افزار درایه النور / اسناد / قسمت راوی / ذیل عنوان عبدالله بن جبلة

۴. طاطری لغت اهل شام است به معنای فروشنده کرباس (پنبه): حسینی، محمد مرتضی ۱۲۰۵ق / تاج

العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۱۴۳

۵. نجاشی / رجال، ص: ۲۵۴

۶. نرم افزار درایه النور / اسناد / قسمت راوی / ذیل عنوان علی بن الحسن الطاطری

۷. همان، ص: ۲۵۶



او واقفی مذهب بوده و نجاشی او را معتمد در نقل روایت می‌داند. از کتب او کتاب الغیبه نیز می‌باشد.<sup>۱</sup> شیخ در رجال خود علی بن محمد را در باب من لم یرو عن واحد من الأئمه علیهم السلام ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

### بررسی روایات واقفیان در کتب الغیبه امامیه

با بررسی روایات واقفیان در الغیبه شیعیان امامی می‌توان پی برد که آیا اندیشه آنان تأثیری در روایات این کتب داشته است و یا صرفاً در سلسله سند برخی از روایاتی که با اسناد مختلف نقل شده نامشان ذکر شده است.

### الغیبه طوسی

شیخ طوسی در کتب خود بخصوص در رجال و الغیبه، دقت فراوانی در نقل حدیث داشته است باین معنی که سعی کرده روایات رواتی را که ضعیف بوده و یا مذهب آنها امامی نیست، ذکر نکند و یا در صورت ذکر حدیث از آنان، توصیف شخص را به صورت کامل آورده و مذهب او را نیز ذکر می‌کند تا خواننده از حال راوی با خبر گردد. لذا با بررسی نام واقفیان صاحب الغیبه می‌بینیم در کتاب ایشان یا هیچ روایتی از آنها نقل نشده مانند حسن بن علی بن ابی حمزه، عبدالله بن جبلة، علی بن عمر الأعرج، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی و علی بن محمد بن علی بن عمر که از واقفیان صاحب الغیبه بوده اند که نام آنها در سلسله سند هیچ روایتی قرار نگرفته است و یا اینکه روایات محدودی از این افراد ذکر کرده و آنها را هم در فصلی به نام الکلام علی الواقفه گنجانده که با سایر احادیث این کتاب در صورت اختلاف مشتبه نگردد که می‌توان از حسن بن محمد بن سماعه کوفی نام برد که تنها ۳ روایت از او ذکر کرده و همینطور عبدالله بن جبلة که ۵ روایت از او نقل می‌کند، که این خود نشانگر دقت شیخ و

۱. نجاشی / رجال، ص: ۲۵۹

۲. طوسی / رجال، ص: ۴۱۶



امانت داری ایشان در نقل روایاتی است که شامل موضوعات اعتقادی شیعه است.<sup>۱</sup>

### الغیبه نعمانی

نعمانی آنگونه که شیخ طوسی در گردآوری و نقل روایات دقت و اهتمام داشته عمل نمی‌کرده و از افرادی که مذهب آنها شیعه امامی نیست مانند ابن عقده کوفی که از زیدیان جارودی است<sup>۲</sup> و همچنین اساتیدی چون محمد بن حسن بن جمهور که متهم به غلو و ایجاد تخلیط (فساد)<sup>۳</sup> در روایات هستند نیز حدیث نقل کرده و نزد آنها تلمذ نموده است.<sup>۴</sup>

بنابراین نقل روایت واقفیان که صاحب الغیبه بوده اند در کتاب نعمانی بدون توجه و تذکر به مذهب آنها بعید نمی‌باشد. در الغیبه نعمانی ۱۱ روایت از حسن بن محمد بن سماعه الکوفی و تعداد ۲۴ روایت از حسن بن علی بن ابی حمزه نقل شده است و همچنین عبدالله بن جبلة که از واقفیان صاحب الغیبه است در سلسله سند ۲۶ روایت از کتاب نعمانی قرار گرفته است.

### علت طرح ادعای مهدویت در واقفیه

پس از بررسی روایات مهدویت و بیان این مطلب که این روایات قبل از ادعاهای مهدویت و پیدایش فرق، وجود داشته اند، حال باید گفت چگونه با وجود این روایات، اینگونه ادعاها قبل از وجود آخرین امام انجام گرفته و ادعای مهدویت برای برخی از ائمه و حتی برای اشخاص صورت گرفته است.

۱. نرم افزار درایه النور / اسناد / قسمت راوی / ذیل عنوان حسن بن محمد بن سماعه و عبدالله بن جبلة

۲. معجم رجال الحدیث ج: ۲ ص: ۲۷۴

۳. فهرست طوسی ص ۴۱۳ و رجال ابن داود / الجزء الثاني باب المیم / ۵۰۲

۴. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، نعمانی / الغیبه، ترجمه غفاری، ص: ۱۵



نقش روایات ائمه اثنی عشر در آگاهی بخشی شیعه، انکار ناشدنی است اما با بررسی تاریخی این روایات درمی یابیم که عدم آگاهی عمومی شیعیان از این روایات، و موضوعات دیگری که بدان اشاره می کنیم سبب پیدایش فرقه های انحرافی در شیعه و ادعای مهدویت در میان آنان شده است.

سیر تاریخی بیان روایات ائمه اثنی عشر از ناحیه امامان معصوم بدین گونه بوده که تا زمان امام صادق علیه السلام این روایات در میان شیعه وجود نداشته و یا به طور خوشبینانه باید گفت که عده بسیار کمی از شیعیان و اصحاب نزدیک امام از این روایات، مطلع بوده اند که از آنها می توان به سلیم بن قیس، جابر بن عبدالله انصاری و ابی حمزه ثمالی نام برد که در سند برخی از این روایات دیده می شوند.

اما در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به سبب گسترش آموزه های شیعه در بین مسلمانان به واسطه مجالس علمی که ائمه در این دوره برپا می کردند و همینطور مبلغینی که از ناحیه ایشان در مناطق مختلف اسلامی پراکنده شده بودند، آگاهی نسبی نسبت به این روایات در میان شیعیان بوجود آمد که تحریف و جعل در روایات از ناحیه برخی از شیعیان نیز به این عدم آگاهی می افزود.

موارد دیگری هم وجود دارد که موید این ادعاست:

اختلاف شاخه حسنی با نوادگان امام حسین علیه السلام در مسئله امامت و محق دانستن خود و ادعای امامت برای زید

پیدایش فرق مختلف با داعیه امامت و مهدویت برای اشخاص خاص و یا برخی از امامان

مخالفت و عدم پذیرش امامت برخی از امامان از ناحیه نزدیکان و خویشاوندان امام و حتی ادعای امامت برای برادران امام مانند اسماعیل و عبدالله افطح از فرزندان امام صادق علیه السلام و ابراهیم فرزند امام کاظم علیه السلام



بعد از این که دانستیم اکثر شیعیان از روایات ائمه اثنی عشر آگاهی و اطلاع نداشته اند باید گفت که این عدم آگاهی چگونه سبب طرح ادعای مهدویت در میان فرق بوجود از میان آنان آمده شده است.

نکته مهمی که در کنار عدم آگاهی از روایات، علت طرح چنین ادعاهایی شده است مسیله مهدویت و علائم ظهور می باشد.

همانگونه که قبلاً گفته شد طرح روایات مهدویت به صورت عمومی و فراگیر در میان مسلمانان بوده است و از سوی دیگر عدم آگاهی نسبت به روایات امامان دوازده گانه باعث شد برخی علائم ظهور و یا عصر غیبت را با وقایع زمان خود اشتباه گرفته و و یا در صدد سوء استفاده از این علائم و عدم آگاهی مسلمانان از روایات امامان اثنی عشری برآمدند و برای خود و یا شخص دیگری ادعای مهدویت و قائم بودن را مطرح نمودند.

### جمع بندی

با بررسی اندیشه مهدویت در واقفیه و بررسی کتب صادر شده از آنها و دیگر شیعیان و بررسی روایات آنها در کتب الغیبه شیعیان امامی و همچنین منابع حدیثی شیعه، برای رسیدن به جمع بندی مناسب برای رد ادعای تأثیر اندیشه واقفیه در کتب الغیبه، نکات زیر حائز اهمیت است:

۱- اندیشه مهدویت نه تنها در واقفیه بلکه در فرق دیگر از شیعیان وجود داشته و همواره دستخوش ادعاهای دروغین بوده است. اما نکته مهم اینست که در کنار تلاش های مدعیان دروغین، ائمه اطهار و همچنین اصحاب ایشان با انجام مناظرات و تألیف رساله ها و کتب بر رد اندیشه نادرست مهدویت فرق و رد بر عقاید باطل آنها، سعی بر کشیدن خط بطلان بر این ادعاها، و دفع شبهات آنان از میان جامعه شیعه داشته اند.



۲- این فعالیت علمی امام و اصحاب ایشان زمینه ساز ایجاد بستری مناسب برای تحقیق و بررسی بیشتر مردم و آگاهی ایشان در مورد اندیشه صحیح مهدویت می شد که خود سبب جدایی مردم و آگاهی مردم به انگیزه این مدعیان دروغین بوده است.

۳- نکته مهم و پایانی که ما را در رسیدن به هدفمان یاری می کند باور این مطلب است که روایات مهدویت چگونه در ذهن جامعه اسلامی عصر امامان معصوم علیهم السلام، به مرور زمان، نقش بسته بود که می توان ادعا کرد تغییر و یا تحریف در آن ممکن نبوده، بلکه برخی بدلیل عدم آگاهی نسبت به روایات ائمه اثنی عشر و یا سوء استفاده از عدم آگاهی برخی از شیعیان نسبت به این روایات، در تعیین مصداق مهدویت و قائم دست برده و یا امامی را به عنوان مهدی قائم معرفی کرده اند.

## فهرست منابع

۱. ابن بابويه، علی بن حسین ۳۲۹ ق، الامامه و التبصرة من الحيره، تصحيح، مدرسه امام مهدي (عج) مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، ۱۴۰۴ ق
۲. ابن داوود حلی، تقی الدین ابو محمد حسن بن علی م ۷۰۷ ق، الرجال، تصحيح: بحر العلوم، محمد صادق، ناشر: دانشگاه تهران ۱۳۴۲
۳. ابن غضائری، احمد بن حسین ( م نیمه نخست قرن ۵ ) الرجال، محقق: حسینی جلالی، محمد رضوان اشرف: دار الحديث، قم
۴. اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین (بیروت، بی نا، ۱۴۰۵)
۵. حسین زاده شانه چی، حسن، واقفیه، نشریه: « تاریخ اسلام » پاییز ۱۳۸۴ \_ شماره ۲۳
۶. حلی، حسن بن یوسف ۷۲۶ ق، رجال العلامة الحلی، تصحيح: بحر العلوم، محمد صادق، دار الذخائر، نجف اشرف، ۱۴۱۱
۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۲۰۵ ق) تاج العروس من جواهر القاموس، محقق / مصحح: علی، هلالی و سیری، علی. ناشر: دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ ق
۸. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی م ۱۴۱۱ ق، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳ ق - ۱۹۹۲ م
۹. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۳۸۱ ق)، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه کمره ای محمد باقر اسلامیه، تهران
۱۰. - الخصال، ترجمه مدرس گیلانی، مترجم: مدرس گیلانی، مرتضی، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲ ش
۱۱. - عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: لاجوردی، مهدي، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق
۱۲. شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد، م ۵۴۸ ق، الملل و النحل، تحقیق: محمد سید گیلانی، ماچستر من کلیه اداب جامعه القاهرة، دار المعرفه، بیروت - لبنان
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن ۴۶۰ ق، الغيبة، تصحيح: تهرانی عبادالله و ناصح علی احمد، دار المعارف الإسلامية، ایران؛ قم، ۱۴۱۱ ق
۱۴. - رجال الطوسی، تصحيح: قیومی اصفهانی جواد، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه، ۱۳۷۳ ش
۱۵. - فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (ط - الحديثة)، تصحيح: طباطبائی، عبدالعزيز، مكتبة المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰ ق
۱۶. کشی، محمد بن عمر، نیمه اول قرن ۴ ق، رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، تحقیق: طوسی، محمد بن حسن / مصطفوی، حسن، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق



۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۳۲۹ ق) **الکافی (ط - الإسلامية)** تصحیح: غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق
۱۸. راوندی، قطب‌الدین م ۵۷۳ ق، **الخرائج و الجرائح**، تحقیق و نشر: موسسه الامام المهدي عليه السلام / باشراف السيد محمد باقر الموحد الابطحي، قم المقدسه، ذی الحجه ۱۴۰۹
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی ۱۱۱۰ ق، **بحار الانوار جامعه لدرراخبار الأئمه الاطهار** دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۲۰. مظفری، محمد حیدر، **مهدویت در واقفیه و موضع گیری امام رضا عليه السلام**، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار موعود، سال دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۳۳
۲۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان ۴۱۳ ق، **الارشاد**، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۶
۲۲. میرداماد، محمدباقر بن محمد ۱۰۴۱ ق، **الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة**، دار الخلافه، قم، ۱۳۱۱ ق
۲۳. نجاشی، احمد بن علی ۴۵۰ ق، **رجال النجاشی**، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفه، ۱۳۶۵ ش
۲۴. نجفی، بهاء‌الدین نیلی، علی بن عبد‌الکریم ۸۰۳ ق، **سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان (عج) تصحیح: عطار، قیس، دلیل ما، ایران؛ قم، ۱۴۲۶ ق**
۲۵. نعمانی، ابن‌ابی زینب، محمد بن ابراهیم ۳۶۰ ق **الغیبة**، ترجمه غفاری، مترجم: غفاری، محمد جواد، محقق / مصحح: ندارد، نشر صدوق، تهران، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش
۲۶. نوبختی ابی محمد حسن بن موسی، **فرق الشیعه**، تصحیح علامه سید محمد صادق آل‌بحرالعلوم (نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۵۵ ق ص ۲۶-۲۷)